



منبر مکتوب با موضوع

نقش هدایتگری امام صادق (ع)

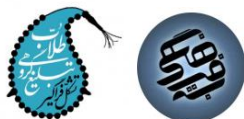
نویسنده

آیت الله حسینی بوشهری

لزوم شناخت ائمه (ع) - نقش هدایتگری امام صادق (ع)

این مجلس و محفل باشکوه به مناسبت شهادت ششمین امام و پیشوا، وجود مقدس امام صادق (ع) و پنجاه و پنجمین سالگرد حمله وحشیانه مزدوران طاغوت به مرکز علم و فضیلت، از طرف بیت مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) تشکیل یافته است. موضوع سخنم در محضر اهل علم و فضل و کمال آیات و حجج و مردم خوب و متدین شهر خون و قیام قم، پیرامون لزوم شناخت و معرفت امامان و پیشوایان و نقش هدایتگری امام صادق (ع) است. هم در قرآن و کلام وحی و هم در سخنان گوهر بار رسول خاتم (ص) و امامان (ع)، در رابطه با لزوم معرفت و شناخت امامان و اهل بیت (ع) سخن فراوان به میان آمده است. آیات مؤدّت، آیاتی که خطاب به رسول گرامی اسلام، خطاب به امت اسلامی است در رابطه با وظیفه امت اسلامی نسبت به پیامبر و اهل بیت در قرآن مکرر به چشم می خورد.

از کلمات نورانی خود امام صادق (ع) هم نسبت به مسئله معرفت و شناخت امامان و پیشوایان جملاتی وجود دارد که من بسنده می کنم به یک جمله از کلمات نورانی امام صادق (ع)؛ یکی از اصحاب و یاران امام (ع) از امام (ع) پرسشی را مطرح می کند تحت این عنوان: «أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ» کدامیک از اعمال و کردار ما بعد از شناخت ذات کبریایی حق تعالی برتر و بالاتر است؟ امام صادق (ع) می فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ، وَلَا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَالصَّلَاةَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الزَّكَاةَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الصَّوْمَ، وَلَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ يَعْدِلُ الْحَجَّ» جان اینجاست «و»



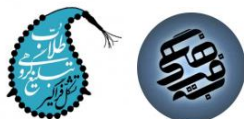
فَاتِحَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ مَعْرِفَتَنَا، وَ خَاتِمَتَهُ مَعْرِفَتُنَا» [۲] در پاسخ امام صادق (ع) می‌فرماید: بعد از معرفت، برتر و بالاتر نماز است، بعد از معرفت و نماز، زکات است، بعد از معرفت و نماز و زکات، روزه است و بعد از اینها حج است، ولی بدان آغاز و انجام همه اینها معرفت و شناخت ما اهل بیت (ع) است. این جمله بلند، این جمله نورانی و رسای امام صادق (ع) در رابطه با معرفت و شناخت اهل بیت است، لذا بی‌جهت نیست که رسول گرامی اسلام خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) در آخرین وصیتش مسئله حرمت‌گذاری به عترت، پیروی راه عترت را عدل قرآن می‌داند، «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» [۳] عترت در کنار قرآن، قرآن در کنار عترت، آنانی که دچار انحراف شده‌اند دست از عترت برداشته‌اند و شعار حسبنا کتاب الله سر داده‌اند، سرنوشتی آن چنان پیدا کردند،

جایگاه امامت

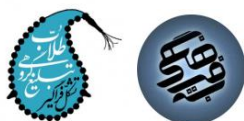
این است جایگاه امامت، جایگاه پیشوایی و جایگاه امامان معصوم ما هم در قرآن و هم در روایات نورانی اهل بیت. این مجلس و محفل به مناسبت شهادت امام صادق (ع) و یادآوری آن خاطره دردناک قبل از ۵۵ سال قبل برگزار شده است. اجازه بفرمایید سخنم را پیرامون دو موضوع مطرح کنم،

نقش هدایتگری امام صادق (ع)،

یکی از ویژگی‌های امام صادق (ع) این است که ایشان عمر طولانی دارد نسبت به دیگر امامان و ویژگی دیگرش طول دوران امامت آن حضرت است، لذا فرصت خوبی پیدا کردند تا بتوانند در مدینه به گسترش علم و دانش و تفسیر و تربیت شاگرد و گسترش حدیث بپردازد، شما اهل علم، شما بزرگان مجلس، شخصیت‌های علمی که در محضرتان هستند می‌دانید کتاب و سائل ما، مجامع روایی ما، عمده روایاتی که به خصوص در زمینه فقه وارد شده، مربوط به وجود مقدس امام باقر و امام صادق (ع) است، این جایگاه و مکان امام صادق (ع) است، دوران حضرت، دوران عجیبی است، چند مسئله در زمان حضرت اتفاق افتاده که اینها به عنوان تهدیدهاست و مسائلی در زمان حضرت اتفاق افتاده که اینها به عنوان فرصت‌هاست، تهدیدهای عصر حضرت این بوده که حضرت با یک جو سیاسی مواجه هست بعد از انقراض حکومت امویان و بر سر کار آمدن دولت سفاک عباسیان، این عامل تهدید است برای امام در برهه‌ای از تاریخ حکومت عباسیان، گاهی شرایط امام شرایط دردناکی است که اگر کسی مسئله‌ای شرعی برای او پیش می‌آید و می‌خواست از محضر امام سوال کند به شکل طبیعی و عادی در خانه امام به روی او باز نبود تا بتواند پرسش را مطرح کند، ناگزیر بود



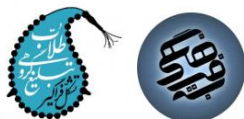
لباس خیار فروش را بپوشد، خیارهای خیارفروش را از او بخرد و به عنوان خیارفروش خودش را به در خانه امام صادق(ع) برساند تا پرسش شرعی اش را بتواند از امام داشته باشد، این شرایط جانکاهی است که به وجود آمده، فرقه‌های مختلف، نحله‌های مختلف، مذاهب متعدد فقهی، مفاسد مختلف اجتماعی، همه اینها در عصر امام صادق(ع) است و لذا امام نمی‌تواند آزادانه در مقابل جبهه طاغوت مبارزه کند، لذا در مقابل آن یار حضرت که به حضرت گاهی با لحن اعتراض آمیز سخن می‌گفت که آقا شما با همه این شیعیانی که دارید چرا در مقابل طاغوت قیام نمی‌کنید، آقا بفرماید تعداد شیعیان همراه من چه تعداد هستند رقمی حدود ۱۰۰ هزار نفر مطرح می‌کند، امام با تعجب می‌پرسد ۱۰۰ هزار نفر؟ او در پاسخ می‌گوید، آقا نه ۲۰۰ هزار نفر شما یار پا به رکاب دارید که اینها آمادگی دارند، باز حضرت با تعجب می‌پرسد ۲۰۰ هزار نفر؟ می‌گوید نه نیمی از مردم با شما هستند، حضرت دست او را می‌گیرد و به بیابان می‌برد، نوجوانی را می‌بیند که گله گوسفندی را به چرا آورده است؛ حضرت می‌فرماید اگر تعداد یاران واقعی من در عصر منصور و این خلفای عباسی به اندازه این تعداد گله گوسفند بود یک ذره در مبارزه و ایستادن در مقابل جبهه طاغوت کوتاهی نمی‌کردم، بعد آن آقا تعداد کرد، اما حضرت یک گوسفندان را شمرد عدد آنها ۱۷ عدد بود. این عصر خفقانی بود که که حضرت در آن زندگی می‌فرست طلایی هم در فاصله انتقال قدرت بین حکومت امویان و عباسیان پیدا کرد که این فرصت طلایی را هم امام باقر(ع) و هم امام صادق(ع) پیدا کرد، امام در دو عرصه کار جدی را دنبال کرد، که امروز حوزویان ما، طلاب عزیز ما، فضلالی گرانقدر ما، عالمان دین ما، شخصیت‌های وارسته ما به تبعیت از امام صادق(ع) در جامعه باید چنین اقدامی انجام بدهند، امام در دو عرصه کارش را دنبال کرد، عرصه اول در سطح عموم جامعه به شایسته‌سازی اقدام کرد، امام تنها کارها و محمد بن مسلم‌ها و هشام بن حکم‌ها و مومن نخبگانه‌ای انجام نداد، امام تنها روی شاگردانی مثل ابان بن تغلب طاق‌ها کار نکرد که البته آن کار جایگاه خاص خودش را دارد و ارجمند و ارزشمند است که الان اشاره می‌کنم، امام(ع) در سطح افکار عمومی جامعه، مردم کوچه و بازار و افرادی که به عنوان نخبگان جامعه محسوب نمی‌شوند هم امام کار کرد، جملاتی که مطرح کرد، کلماتی که امام بیان کرد، تذکراتی که مطرح کرد، این تذکرات، تذکرات بسیار مهمی است، موقعی که به کسی می‌رسد، می‌گوید من می‌خواهم در مجلسی شرکت کنم و در آن مجلس مبتلا به گناه می‌شوم، چه کنم؟ حضرت(ع) می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ» [۴] سزاوار نیست یک مومن و مسلمان و بازاری و یک فرد معمولی در مجلسی شرکت کند که در آنجا گناه انجام می‌گیرد و او قدرت و توان تغییر فضای مجلس را ندارد، اینها تربیت افراد عادی جامعه است، این خطاب، خطاب نخبگان است، خطاب مربوط به توده جامعه است، بازاریان و اصناف مختلف متوجه باشید، در مجلسی که گناه انجام می‌گیرد، حضور پیدا نکنید اگر



می‌توانید فضای گناه را تغییر بدهید بسم الله و اگر نتوانستید، اگر پیرو امام صادقی است که می‌فرماید: «شیعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل باعمالنا اولئک شیعتنا» شیعه امام صادق در مجلس گناه شرکت نمی‌کند، این کار فرماید: «لَا يَتِمُّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا نَخَسْتُ حَضْرَتَ بُوْد كِه نَمُونِه‌هَآی فِرَاوَانِی وَجُود دَارِد، دِر یك جَا خَطَاب بِه عَمُوم جَامِعِه مِی بِثَلَاثِ خِصَالٍ تَعْجِيلِهِ وَ تَصْغِيرِهِ وَ سَتْرِهِ فَإِذَا عَجَلْتَهُ هَنَاتَهُ وَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتَهُ وَ إِذَا سَتَرْتَهُ أَتَمَمْتَهُ» [۵] خِیَلِی تَعْبِیْر زَبِیْبِی اسْت، مِی گُویِد اِگَر مِی خَوَاهِیْد كَار خُوب دِر جَامِعِه رُونَق پِیْدَا كِنْد، اِگَر مِی خَوَاهِیْد كَار خُوب دِر جَامِعِه شَكْل بَگِیْرِد، سِه وَیْژَگِی بَایِد كَار خُوب شَمَا دَآسْتِه بَآشِد تَا بِه نَتِیْجِه بَرَسِد، اِز اِمَام سَوَال مِی كِنْد اَن سِه وَیْژَگِی كَار خُوب چِیْسْت كِه دِر جَامِعِه شَكْل بَگِیْرِد؟ مِی فِرْمَايِنْد: «تَعْجِيلِهِ وَ تَصْغِيرِهِ وَ سَتْرِهِ» خِیَلِی تَعْبِیْر زَبِیْبِی اِگَر كَار خُوب بِه ذَهْتَنَان اَمْد تَأْمَل نَكِنْد، زُود بَرُویِد سِرَاغ كَار خُوب وَ خِیْر، جَای چِه كِنْم چِه كِنْم نِیْسْت، بِه فِرْدَا اِنْدَاخْتَن نِیْسْت، دِر كَار خُوب بَایِد تَعْجِیل كَرْد وَ بَایِد اِنْجَام دَاد، اِگَر مِی خَوَاهِیْد دَسْت مَسْلَمَانِی رَا بَگِیْرِیْد، اِگَر مِی خَوَاهِیْد جِهْمِیْزِیْه كَسِی رَا بَرَايْش اَمَادِه كِنِیْد، اِگَر مِی خَوَاهِیْد كَمَكِی بِه حَال كَسِی بَكِنِیْد، تَعْجِیل كِنِیْد. تَصْغِیْرِه یَعْنِی چِه؟ یَعْنِی دِر نَظْرْت بَزْرَگ جَلُوه نَكِنْد. كَارِی رَا كِه بَرَایِ خُودَا اِنْجَام دَادِه‌آی، كَار خُوب تُو دِر نَظْرْت كُوجَك بَایِد جَلُوه كِنْد، ذِیْل رَوَايْت نَكْتِه جَالِبِی اسْت، «إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتَهُ» اِگَر كُوجَك شَمْرْدِی كَار رَا، خُودَایِ بَزْرَگ اِیْن كَار كُوجَك تُو رَا بَزْرَگ جَلُوه مِی دِهْد وَ صُورْت سُوْم وَ وَجِه سُوْم تَصْغِیْرِه، بِنَا نِیْسْت دِر بَلَنْدِگُو بَگِذَارِی وَ هَر جَا رَسِیْدِی بِه رَخ اِیْن وَ اَن بَكْشِی، كَار خُوب رَا بِپُوشَان كِه اِگَر تُو پُوشَانْدِی، خُودَا كَار خُوب تُو رَا بَرَجَسْتِه مِی كِنْد. اِیْن كَلَام نُورَانِی اِمَام صَادِق (ع) دِر سَطْح عَمُوم جَامِعِه اسْت، اِمَا دِر سَطْح نَخْبِگَانِی، اِمَام صَادِق (ع) اِبَان رَا تَرِیْبِیْت مِی كِنْد، اِمَام صَادِق هَشَام رَا تَرِیْبِیْت مِی كِنْد، خُود اِبَان بِن تَغْلَب سِی هَزَار حَدِیْث اِز اِمَام صَادِق (ع) نَقْل مِی كِنْد وَ لَذَا اَن لِحْظَه‌آی كِه خَبْر فُوقْت اِبَان بِن تَغْلَب بِه اِمَام (ع) رَسِیْد تَعْبِیْرِی كِه حَضْرَت دَارْد فِرْمُود: «أَمَا وَ اللّٰه لَقَدْ أُوجِعَ قَلْبِی مَوْتِ اِبَان» [۶] بِه خُودَايِی خُودَا قَسْم كِه مَرِگ اِبَان قَلْب مَرَا بِه دَرْد اُورْد، اِیْن كَلَام نُورَانِی اِمَام صَادِق دِر مَرِگ یَك شَاگَرْد تَرِیْبِیْت شُدِه مَكْتَب اِمَام صَادِق اسْت،

برنامه امام در بعد اعتقادی

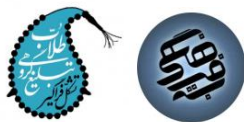
هشام بن حکم شخصیتی است که هارون الرشید زمانی که درباره او می‌خواهد قضاوت کند می‌گوید زبان هشام بن حکم برابری می‌کند با صد هزار شمشیر زن، این تعبیر کمی نیست، لذا امام صادق (ع) در حق او دعا می‌کند: «لَا تَزَالُ مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا نَصَرْتَنَا بِلِسَانِكَ» [۷] تُو هَمِیْشِه هَشَام عَزِیْز مَا مُؤَیِد بِه رُوحِ الْقُدُسِ بَآشِی تَا زَمَانِی كِه بَا زَبَانْت یَار مَا اِهْل بَیْت (ع) هَسْتِی، اِیْن كَلَام حَضْرَت دِر رَابْطِه بَا اِیْن دُو شَاگَرْد بَرَجَسْتِه اسْت. دِر بَعْد اِعْتِقَادِی، دِر بَعْد اِجْتِمَاعِی، دِر بَعْد سِیَاسِی حَضْرَت بَرْنَامِه دَارْد، دِر مَقَابِل اِبْن اَبِی الْاَوْجَاهَا، اَبُوشَاكِر دِیْصَانِی‌هَا، اَبْدَالْمَلِك مِصْرِی‌هَا، حَضْرَت یَكِه وَ تَنَهَا



مقابله می‌کند و اینها را در مجالس مختلف محکوم می‌کند؛ منصور کسی را که ادعای فقه و فقاہت داشت وادار می‌کند که چهل مسئله از امام صادق(ع) در یک مجلس بپرسد، هر چه پرسید، امام (ع) پاسخ داد، او ناگزیر شد در پایان گفت اعلم الناس کسی است که اختلافات فتاوا را خوب می‌داند و آن کسی جز امام صادق(ع) نیست. اینها جایگاه امام صادق(ع) است در بُعد اعتقادی تنها در مقابل ابن ابی‌العوجا ها امام مناظره نمی‌کند، تنها در مقابل ابوشاکر دیصانی امام مناظره نمی‌کند، یک جوان بر امام وارد می‌شود - این برای ما طلبه‌ها پیام دارد- می‌گوید آقا من خدا را قبول ندارم و منکر خدا هستم، من تا چیزی را به چشمم نبینم به آن باور پیدا نمی‌کنم، آقا فرمود تو این عالم و خورشید را قبول دارید، زمین و ماه و آسمان را قبول داری؟ گفت همه اینها را من قبول دارم چون به چشمم می‌بینم، حضرت فرمود به نظر شما این خورشید و ماه و زمین از چه وقت به وجود آمدند؟ به تعبیر طلبگی ما آیا اینها قدیم هستند یا حادث، اینها از اول بودند یا بعداً پدید آمدند، فکر کرد اگر بگوید حادث است حتماً امام سوال می‌کند چه کسی آنها را به وجود آورده است، لذا گفت اینها از روزی که آدم بوده روی زمین خورشید و ماه و امثال ذلک بوده است، امام در اینجا سوال کرد آیا تو که می‌گویی تا من چیزی را نبینم به آن باور ندارم، تو آن روز بوده‌ای که اینها بوده‌اند یا نبوده‌ای؟ به همین جا که رسید ناگزیر شد تسلیم کلام امام صادق بشود.

برنامه امام در بعد اجتماعی

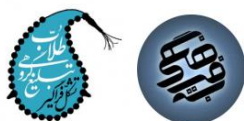
در ابعاد اجتماعی بارها و بارها نکاتی پیش می‌آمد مسائلی پیش می‌آمد و وجود مقدس امام صادق(ع) گره‌گشایی می‌کرد، مشکلات جامعه را برطرف می‌کرد و احاد جامعه تحت تاثیر رفتار امام صادق و برخورد امام صادق قرار می‌گرفتند. بزرگترین معضل امام صادق(ع) معضل مواجه شدن حضرت با طاغوت‌های زمان خودش بود بخصوص منصور دوانیقی، منصور دوانیقی خیلی بر امام سخت‌گیری کرد، روزی به امام خطاب کرد چرا مثل بقیه مردم با ما رفت و آمد نمی‌کنید، حضرت فرمود: ما که دنیایی نداریم، تا از تو بخاطر دنیایمان بترسیم و تو آخرتی نداری که ما به خاطر آخرت به تو امید داشته باشیم، منصور برگشت و گفت حالا که سراغ ما نمی‌آیی لااقل نصیحتی کنی ما را، خیلی سخن تکان دهنده است، ببینید تهدید وجود دارد، بارها امام را احضار کردند، تهدید به قتل کردند ولی حضرت شجاعانه در مقابل طاغوت زمان سخن می‌گوید، می‌فرماید: «مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا لَا يَنْصَحْكَ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ لَا يَصْحَبْكَ» [۸] کسی که دنبال دنیا است که تو را نصیحت نمی‌کند دنیا را از دست می‌دهد و کسی که دنبال آخرت است با تو هم‌نشینی نمی‌کند تا بخواهد تو را نصیحت کند، این پاسخ دندان شکن امام صادق(ع) به منصور است اما منصور دست بردار نیست، در مقابل مکتب امام صادق(ع) می‌خواهد مکتب‌سازی کند، در مقابل امام صادق(ع) می‌خواهد شخصیت‌سازی کند، مالک بن انس یک شخصیت



گمنامی است، اما منصور کسی را به دنبال او می‌فرستد، هر موقع مالک وارد مجلس می‌شود، منصور با تمام مجموعه در مقابل مالک می‌ایستد، می‌خواهد مالک را در مقابل امام صادق(ع) در جامعه آن روز بزرگ کند، به مالک می‌گوید تو کتاب حدیث بنویس من کتاب حدیث تو را در سراسر حکومت من منتشر خواهم کرد، لذا مالک کتاب مقطع را نوشت که بیش از ۱۷۲۰ حدیث در آنجاست، منصور با او شرط کرد، یک شرط دارد، در صورتی کتاب تو را در سطح کشور مطرح خواهم کرد که حتی یک روایت از علی به تعبیر او و از امیرمومنان علی(ع) به تعبیر ما در این کتاب تو ذکر نشود، او هم چنین کرد، مکتب سازی در مقابل مکتب امام صادق(ع)، چهره‌سازی، شخصیت‌سازی در مقابل شخصیت امام صادق تا شخصیت امام تحت شعاع شخصیت مالک بن انس قرار بگیرد، این کاری است که منصور دوانیقی انجام داده، آن هم نه یک بار و چند بار، گاهی دستور می‌داد امام را احضار کنند، بعد شرایطی برای او پیش می‌آمد، ناچار می‌شد دو زانو در مقابل امام بنشیند و به امام بگوید شما فرمایشی دارید، امام بفرماید تو ما را احضار کردی من که اینجا نمی‌آمدم.

طاغوت‌های زمان

بزرگان مجلس، مردم خوب و ولایتمدار قم، طاغوت‌های زمان کارشان این است، در مقابل چهره‌های الهی مبارزه می‌کنند، جنگ راه می‌اندازند، یورش راه می‌اندازند، حمله راه می‌اندازند، ۵۵ سال قبل در همین فیضیه، طاغوت زمان ما در مقابل شخصیت امام و مراجع بزرگوار تقلید، در مقابل شخصیت برجسته‌ای که آمد در مجلس عزای امام صادق(ع) شرکت کند حمله را آغاز کرد، کماندو راه انداخت، نیروهای نظامی را با اسلحه وارد فیضیه کرد، عده‌ای در لباس دهقان و کشاورز اینجا ریختند به سر و صورت طلبه‌ها زدند، طلبه‌ها را زخمی کردند، از طبقه دوم این ساختمان به رودخانه انداختند، فاجعه‌ای آن روز اتفاق افتاد، این حرکت ددمشنانه‌ای بود که طاغوت زمان ما به پیروی از طاغوت عصر امام صادق انجام داد، این روش طاغوت‌های زمان در هر برهه‌ای از تاریخ است، اگر امام را تبعید می‌کنند، اگر شخصیت آیت‌الله العظمی گلپایگانی در یکی از این حجرات تردید دارم حجره این طرف مدرس یا حجره آن طرف مدرس در اطاق به ظاهر زندانی می‌شود چون اینها ریختند طلبه‌ها را کتک زدند و تعدادی از همراهان آن مرجع بزرگ جلو درب ایستادند تا از جان حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی حفاظت و حمایت کنند، این وضعیت طاغوت است، لذا منصور به ربیع می‌گوید در دل شب برو امام صادق را در هر حالی که هست احضار کند به کاخ و قصر ما، ولی پسرش محمد را می‌فرستد به او هم دستور می‌دهد از دم در وارد نشو، از بالای دیوار وارد شو آن هم در دل شب، وارد منزل امام صادق می‌شود، می‌گوید وارد شدم دیدم امام صادق پیراهن بلند سفیدرنگی را پوشیده و در حال نماز و نیایش و دعاست. می‌گوید کمی صبر کردم حضرت نمازش را تمام کرد، گفتم منصور تو را احضار کرده، گفت پس اجازه بده غسل کنم و



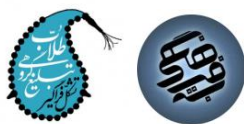
لباسم را بپوشم، می گوید به او اجازه ندادم می گوید من سوار بر اسب بودم و حضرت جلوی من با پای پیاده، با سر برهنه آن هم در دل شب، می گوید برای حضرت دلم رحم آمد حضرت را سوار بر اسب کردم، او را نیمه شب به قصر منصور بردم این یکی از اقدامات منصور است؛ منصور دستور می دهد خانه امام صادق را آتش بزنند؛ بزرگان! طلاب! فضلا! این در تاریخ مظلومیت شیعه سابقه دارد، درب خانه حضرت زهرا را آتش زدند، خیمه های بچه های ابی عبدالله را آتش زدند، الان نوبت رسیده به خانه امام صادق، حضرت همینطور در راهروی منزل می گشت، می فرمود: من فرزند ابراهیم خلیل هستم که آتش خاموش شد برای او، مردم آمدند آتش را خاموش کردند ولی دیدند آقا دارد گریه می کند، گفتند آقا آتش به کسی آسیب نرساند چرا گریه می کنید، فرمود به یاد بچه های جدم حسین افتادم، این بچه ها رو به بیابان آوردند، آشیانه شان را آتش زدند، پناهگاهی نداشتند، من عرض می کنم آقا امام صادق تو را مسموم کردند و زهر دادند، اما «لایوم کیومک یا عبدالله» آقا امام صادق تو را شهید کردند ولی خواهرت زینب را کتک زدند، آقا امام صادق تو را شهید کردند ولی بچه هایت در به در بیابان ها نشدند، آقا امام صادق تو را شهید کردند ولی بدن مطهرت سه روز و سه شب در بیابان کربلا روی زمین نیفتاده بود، آقا امام صادق تو را شهید کردند ولی اسب های نعل زده بر بدنت نتاختند...

من قبل از اینکه دعا کنم لازم می دانم از طرف آقازادگان مکرم مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی از همه آیات حجج ائمه محترم جمعه، شخصیت های علمی، اساتید بزرگوار، فضلا و طلاب و شما مردم خوب و خون گرم و ولایی به خاطر حضورتان در این جلسه آبرومند تقدیر و تشکر کنم.

پروردگارا ما را بیامرز، به اسلام و اسلامیان عزت عنایت بفرما، تا از ما راضی نشوی ما را از این دنیا مبر، روح بلند حضرت امام، روح بلند مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی را پروردگارا عالی است اعلا بگردان، به رهبر معظم انقلابمان این سکان دار کشتی انقلاب پروردگارا عزت و سلامت و طول عمر با برکت عنایت بفرما، به مراجع بزرگوار تقلیدمان عزت و سلامت عنایت بفرما، پروردگارا این توسلات را به شایستگی از همه ما قبول بفرما، پروردگارا این فیضه ما این مهد علم و تقوا و فضیلت را برای دفاع از اسلام در مقابل تمام خطرات حفظ بفرما، در فرج مولا و آقایمان صاحب مان حضرت بقیه الله الاعظم تعجیل بفرما، با صلوات بر محمد و آل محمد. اصلی

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۷.

[۲]. الأمالی (للطوسی)، ص ۶۹۴.



- [۳]. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴.
- [۴]. کافی (ط - دار الحدیث)، ج ۴، ص ۱۲۱.
- [۵]. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۷۱؛ ص ۴۱۳.
- [۶]. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۵.
- [۷]. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۹، ص ۶۹.
- [۸]. کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة (ط - القدیمة)، ج ۲، ص ۲۰۹.

بخش تهیه محتوای سایت تخصصی منبرها

منبع: <https://www.menbarha.ir>

